

## بیون چه؟

ابتدا تعریفی مختصر و مفید از سه کلیدواژه مختلف می‌گویم و بعد وارد اصل ماجرا می‌شوم. دکانویس به فردی گفته می‌شود که با استفاده از نوشتن متونی به ظاهر مذهبی روی اجسامی مانند قفل، کلید، کاسه یا بعضی اشیاء و پوست حیوانات، مبالغی را از مردم دریافت می‌کند. توجه داشته باشید که در اینجا منظور از دعا، ادعایی است که از سوی دکانویسان مطرح می‌شود؛ دعاها بی مثل صحیفه سجاده یا ذکرهایی که از ائمه به جامانده و با هدف توسل به خداوند و کمک برای بهبود شرایط (اگر خدا بخواهد) است، تفاوت دارد. دکانویسان به دروغ، دعاها را به قرآن نسبت می‌دهند و آنها را کاملاً دینی می‌خوانند. ادعا می‌کنند که از اجنه خوب کمک می‌گیرند، ولو این که طلسم بنویسند! اما تفاوتی نمی‌کند چه بگویند و چه ادعا کنند؛ به طور کلی این امر اشتباه، خرافه و گناه است!

فال و فال‌گیری نیز به معنای کوشش در پیشگویی و پیش‌بینی آینده یک فرد است که عملی خرافی به‌شمار می‌رود.

فال با طالع‌بینی فرق می‌کند. طالع‌بینی نوعی پیشگویی براساس وضعیت ستارگان در زمان تولد فرد است (مانند طالع‌بینی چینی یا هندی). اما در فال، پیشگویی باتوجه به انتخاب فرد به‌دست می‌آید و برخلاف طالع‌بینی، به تاریخ تولد بستگی ندارد (مانند فال تاروت، فال قهوه یا فال حافظ).

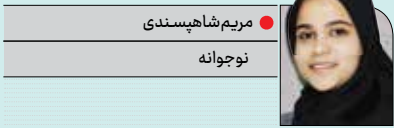
حالا که با تعریف اولیه این سه مفهوم آشنا شدیم، می‌خواهم وارد لایه‌های اولیه از پرونده این شماره نوجوانه بشوم. فال، دعا و طالع‌بینی از مواردی است که در فرهنگ‌های مختلف با شدت و ضعف وجود داشته و تاریخچه فال به دوران باستان می‌رسد. دکانویسی قبل از اسلام با شکل و شمایل دیگری وجود داشته و بعد از اسلام، اسم و مفاهیم و حالات عوض می‌شود. اما آیا هر امری که قدمت دارد، لزوماً صحت و اعتبار هم دارد؟ جواب واضح است؛ خیر!

# هم فاله، هم دکانویسی

## درباره پیش‌بینی آینده و خرافاتی که همه ما حداقل یک بار از ته دل آرزو کرده‌ایم

همه ما حداقل یک بار از ته دل آرزو کرده‌ایم از آن را پیدا کنیم. مثلاً ۱۰ سال بعد چه شکلی ماشین و خانه داریم؟ همسر و بچه چطور؟ بعضی‌ها به همین آرزو و سوالات بی‌جواب به سوالات، راهی وادی‌های غلط می‌شوند؛ بعضی هم که انگیزه‌های شورانگیز دیگری در سر دارند.

پیش‌بینی آینده صحبت کرده‌ایم و از کسانی گفته‌ایم که بازارشان با فروش خرافات و دروغ پر رونق است و پول‌ها به جیب می‌زنند.



مریم شاهپورنی  
نوجوانه



در حالی که بسیار دیده‌ایم طرفداران فال، دعا، طالع‌بینی یا کسانی که می‌خواهند مشتری جذب کنند، با بیان همین تاریخچه و قدمت، مردم را تشویق می‌کنند تا برای یک بار هم که شده، فال بگیرند یا دعایی بخزند.

در گذشته، پادشاهان براساس همین عقاید خرافی و با پیشگویی رمال‌ها و فالگیرها، آینده مملکتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دادند. در مستندات تاریخی ذکر شده که پادشاهان قاجاری گاهی بر همین اساس تصمیم می‌گرفتند یا زنان قاجاری در رقابت با هم طلسم‌هایی را به خورد شاه می‌دادند. مثلاً امینة اقدس، از زنان ناصرالدین‌شاه، آب جادو به شاه می‌خوراند تا علاقه او را به خود جلب کند. می‌گویند تا سال ۱۳۰۱، دکانویسی جزو شغل‌های رسمی شمرده می‌شد، در آمار مشاغل می‌آمد و دفتر و دستکی برای خودش داشت. دسترسی به آنها راحت بود و مردم اعتقادات عجیب غربی به این قشر داشتند. بعدتر، با غیرقانونی و مجرم شناخته شدن این افراد و افزایش سواد مردم، بسیاری از اعتقادات غلط مربوط به همین امر از بین رفت و کمرنگ شد اما اگر توقع دارید که بگویم «تمام شد»، سخت در اشتباهید! خرافات همیشه لباس‌های نو می‌پوشد و حرف‌های قدیمی‌اش را تمیزتر و با رنگ و لعاب جدید می‌گوید.

مرحوم جعفر شهری، نویسنده کتاب تهران قدیم، در این باره می‌گوید:

«در آن عصر، دکانویسی به دو طریق انجام می‌شد یکی دوره‌گردی که دکانویس در کوچه‌ها می‌گشت و با داد زدن به دنبال مشتری می‌گشت و قسم دیگری که دکانویس دکانی برپا می‌کرد و همچون دیگر کسبه به کار خویش آزادانه مشغول می‌شد... در نظام اجتماعی تهران قدیم، زنان دارای نقش چندان فعالی در هیچ یک از امور نبودند، به همین جهت جای چندان تفریحات نداشتند و سهم بازار فال‌گیری و توسل به جادو و جنبل هم در میان زنان گرم بود...»

نوجوانی هم این استرس و اضطراب بسیار بروز پیدا می‌کند. دو: انسان به صورت فطری نیازمند مفاهیم معنوی است. در دنیای مدرن که سردرگمی در امور معنوی بیشتر شده، تمایل به معانی دروغین یا آگاهی‌های غیبی افزایش می‌یابد؛ مخصوصاً در دوره نوجوانی، میل به شناخت خود، خدا و جهان اطراف، بیشتر از دوره کودکی است و نوجوان برای پیدا کردن هویت و ارزش‌های خود، ممکن است به سمت وسوی مختلفی کشیده شود و صد البته که دلایل شخصی و اجتماعی دیگری هم در این مهم تاثیرگذار است.

در مقدمه کتاب چیستی و چگونگی معنویت اسلامی، درباره اثر معنویت در روح و جان انسان‌ها چنین آمده است: «از منظر قرآن مجید، انسان دارای دو بُعد روحی و جسمی است و همان‌گونه که جسم او نیازمند تغذیه سالم و بهداشت است، روح او نیز باید تغذیه معنوی شود تا رشد کند و تکامل یابد؛ با این تفاوت که در مقابل زندگی محدود و ناپایدار جسم، روح جاوید و پایدار است و پس از گذر از دنیای مادی در سرای باقی به زندگی خویش ادامه می‌دهد. از این روست که باید به غذای روح بیشتر از جسم اهمیت داد.»

### چرا همچنان کشش به این مفاهیم وجود دارد؟

متأسفانه بالین که جامعه ایران، به خصوص زنان ایرانی، در سال‌های اخیر با سوادتر شده‌اند و درصد بیشتری از آنها نسبت به گذشته وارد دانشگاه می‌شوند اما همچنان بخش قابل‌توجهی از کسانی که به فالگیرها و دکانویسان مراجعه می‌کنند از میان دختران و پسران جوان هستند. این را هم آمارها تأیید می‌کند و هم رصد فضای مجازی گواه آن است. حتی دیده شده کسانی که اعتقاد راسخی به مفاهیم دینی ندارند هم برای رفع مشکلات خود به خرافاتی این‌چنینی که به دروغ دینی و اسلامی قلمداد می‌شود، رجوع می‌کنند.

به نظر می‌آید که این موضوع را می‌توان از دو منظر نگاه کرد: یک: روان‌شناسان و جامعه‌شناسان می‌گویند اگر کسی یا کسانی تحت فشار، استرس یا اضطراب باشند، ممکن است نسبت به این امور تمایل بیشتری پیدا کنند. ترس از آینده و ناآگاهی نسبت به آن، آنها را به سمت کسب آگاهی (هرچند دروغین) سوق می‌دهد. این رفتارهای ایمنی‌طلب در مواقع تصمیم‌گیری‌های بزرگ بیشتر نمایان می‌شود. در دوره

